

مقاله



فرزانه روستایی

ریشه‌های تظاهرات علیه ایران در افغانستان

برای نخستین بار در تاریخ معاصر ما شهرهای افغانستان شاهد پدیده‌های استثنایی است: تظاهرات علیه ایران، پرتاب تخم‌مرغ به در و دیوار سفارت و کنسولگری‌های ایران و آتش زدن تصویر مقام‌های ایران. طی حدود چند هفته گذشته بین چهار تاشش تبعه افغانستان متهم به قاچاق مواد مخدر در زندان‌های ایران اعدام شده‌اند. میلیون‌ها افغانی سال‌های سال در ایران زندگی و کار و ازدواج کرده‌اند و در ایران صاحب اولاد یا اموالی شده‌اند. همه می‌دانند که حتی پیش از انقلاب، دستگاه قضایی ایران نسبت به قاچاق و حمل مواد مخدر بر خوردی قهرآمیز داشته و در غالب موارد خودی و غیر خودی نمی‌شناخته است. با این احوال این بار جامعه افغانستان شاهد سلسله تظاهرات علیه ایران بوده است که به لحاظ سازماندهی بعید به نظر می‌رسد. انگیزه آن تنها اعدام پنج یا شش متهم و محکوم پرونده مواد مخدر باشد. خوب یا بد، در ایران، امارات، عربستان و کویت هیچ دستگاه قضایی به قاچاقچی مواد مخدر رحم نمی‌کند و اساساً در صورتی که پروتکل‌های مربوط به استرداد یا مجازات مجرمان نیز بین کشورها به امضای رسیده باشد پرونده قاچاقچیان مواد مخدر همیشه جزء «استثنای توافقی نابردار» بوده و هست.

در جریان این تظاهرات با ناسپاسی، هتک حرمت نمادهای ملی و مذهبی ایران چندین بار تکرار شد، در حالی که اگر در کشور پاکستان یا ایران عکس حامد کرزای را آتش می‌زدند و شعار مرگ بر کرزای، مرگ بر ظاهر شاه یا حتی مرگ بر احمد شاه مسعود سر می‌دادند، واکنش چه می‌توانست باشد؟

آیا افغانستان طی چهار دهه گذشته به اندازه

کافی بر مرگ و ویرانی سرود نخوانده است که یک یا چند نماینده پارلمان افغانستان با سکوت مقام‌های دولتی اینچنین مردم را علیه همراه‌ترین کشور همسایه افغانستان می‌شورانند؟ اگر بخواهیم به خطوط مربوط به علل و انگیزه‌های راه‌افتادن تظاهرات سریالی علیه ایران در شهرهای مختلف افغانستان پی ببریم، شاید لازم باشد نانوشته‌های بین خطوط را بیشتر مورد مطالعه قرار دهیم. منظور مطالعه اهداف جریاناتی است که از ایجاد تنش به خصوص در روابط افغانستان با ایران بهره می‌برند و شاید با ادامه و کش دادن تظاهرات علیه ایران به امید روزی نشسته‌اند تا در شهرهای ایران نیز بخصوص شهرهای حاشیه‌ای شرقی تظاهراتی علیه افغان‌ها صورت گیرد.

حداقل شهر مشهد چند شهرک خاص دارد که عمده ساکنان آنها مهاجران افغانستان

هفته گذشته بین چهار تاشش تبعه افغانستان متهم به قاچاق مواد مخدر در زندان‌های ایران اعدام شده‌اند، این بار جامعه افغانستان شاهد سلسله تظاهرات علیه ایران بوده است که به لحاظ سازماندهی بعید به نظر می‌رسد انگیزه آن تنها اعدام پنج یا شش متهم و محکوم پرونده مواد مخدر باشد

و خانواده‌های آنان هستند. بسیاری از دیگر شهرهای بزرگ ایران از جمله قم و تهران نیز شهرک‌های اقماری دارند که عمده ساکنان آنها مهاجران افغانی هستند. تصور کنید روزی را که تظاهرات علیه ایران با بی‌تدبیری مقام‌های نظامی و امنیتی دولت در یک یا دو شهر افغانستان منجر به خشونت و خدای نکرده کشته شدن اتباع یا وابستگی از ایران شود. در آن صورت باید انتظار آن را داشت که جمعیتی بی‌منطق نیز در شهرهای دور و نزدیک ایران با تعرض به مراکز و تجمعات افغانیان مقیم ایران در صدد تلافی برآیند. در چنین شرایطی در درجه دوم اهمیت، روابط دیرینه دو کشور ایران و افغانستان مکدر می‌شود، اما در درجه اول مردم افغانستان یک پایگاه اقتصادی اجتماعی مهم در منطقه خاورمیانه یعنی ایران را از دست می‌دهند که نمی‌توان برای آن جایگزینی یافت. در چنین شرایطی می‌توان استنتاج کرد که تظاهرات علیه ایران اهداف شوم و سازمان‌دهندگان پلیدی داشته که دوست مردم افغانستان نبوده‌اند.

تظاهرات نمایشی در قبال آمار غیر واقعی اعدام مهاجران در روزهای اخیر، تیر اول اکثر رسانه‌های بین‌المللی و افغانستان است. مبنای اعتراض این رسانه‌ها هم این بوده است که جمهوری اسلامی ایران حق اعدام اتباع افغانی را نداشته و طرف ایرانی باید مجرمان افغانی را تحویل مراجع افغانی می‌داد.

بر اساس ماده ۳ قانون مجازات‌های اسلامی، قوانین جزایی درباره کلیه کسانی که در قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی و هوایی جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم شوند، اعمال می‌گردد. تعداد شش نفر از متهمان افغانستان

که در جمهوری اسلامی ایران اعدام شدند بعد از چند بار بررسی قضایی و رفتن به دیوان عالی قضایی ایران و اثبات جرم، حکم اعدام برایشان صادر شده است.

بر اساس ماده ۴ قانون مبارزه با قاچاق مواد مخدر جمهوری اسلامی ایران، هر گاه کسی را بابت بیش از ۳۰ گرم تریاک و مواد مخدر هم ردیف تریاک دستگیر نمایند محکوم به اعدام و طبق ماده ۱۶ این قانون هر کس بیش از شش گرم هروئین، مرفین، کوکائین و دیگر مشتقات شیمیایی مرفین و کوکائین را وارد کشور کند به مجازات اعدام محکوم می‌گردد. ماده ۱۱ نیز می‌گوید: مجازات اعدام به قاچاق مواد مخدر موضوع این قانون به طور مسلحانه اعدام است. ظاهر افرادی که اعدام شدند هم غیر قانونی وارد خاک ایران شده بودند و هم اکثراً در درگیری نظامی در مرز ایران با انبوهی از مواد مخدر دستگیر شدند.

دولت چین چندی پیش آماری از زندانیان خارجی خود را ارائه و اعلام کرد ۳۶ تبعه کشور ایران به جرم قاچاق مواد مخدر در زندان‌های این کشور به سر می‌برند؛ زندانیانی که دولت چین ۱۰ نفرشان را به اعدام، ۱۰ نفر را به حبس ابد و بقیه را به سه تا ۱۸ سال حبس محکوم کرده است. دولت ایران و محافل ایرانی تا کنون هیچ گونه اعتراضی نسبت به این عملکرد چینی نداشتند.

مجامع بین‌المللی، قاچاق مواد مخدر را در کنار سه بحران دیگر (هسته‌ای، جمعیتی و زیست محیطی) قرار داده که بشریت را در قرن حاضر تهدید می‌کند. سرمایه در گردش این فعالیت در جهان از نظر تجاری نیز، آن را در رتبه بعد از نفت، توریسم و سلاح قرار داده است.

طبق ماده ۱۱ قانون جزایی جمهوری اسلامی افغانستان نیز اشخاصی را که تابعیت افغانستان نداشته اما در افغانستان اقامت یا سکونت داشته باشند مانند تبعه افغانستان محسوب می‌کند. لذا اگر کسی در افغانستان مرتکب جرمی شود مطابق با قانون جزایی جمهوری اسلامی افغانستان با وی رفتار می‌شود.

هر کشوری بر اساس قوانین داخلی خود، جرائم اتباع خارجی مستقر در سرزمین خویش را بررسی می‌کند و هیچ کشوری حق اعتراض و دخالت در امور داخلی کشور مذکور را ندارد. مبادله مجرمان نیز در صورتی است که فردی در

مجامع بین‌المللی، قاچاق مواد مخدر را در کنار سه بحران دیگر (هسته‌ای، جمعیتی و زیست محیطی) قرار داده که بشریت را در قرن حاضر تهدید می‌کند. سرمایه در گردش این فعالیت در جهان از نظر تجاری نیز، آن را در رتبه بعد از نفت، توریسم و سلاح قرار داده است

کشور خود جرمی مرتکب شده و پس از آن پناه فرار گذاشته، در کشور دیگری ساکن می‌شود. در صورتی که کشور متبوع مجرم با کشور محل سکونت مجرم «تفاهمنامه مبادله مجرمین» را داشته باشد، کشور متبوع مجرم می‌تواند تقاضای استرداد تبعه مجرم خود را کند. بنابراین، موضوع استرداد مجرمان متفاوت از انجام جرم توسط یک خارجی در کشور دیگر است.

نجیب‌الله کابلی کیست

نجیب‌الله کابلی نماینده پارلمان افغانستان و رئیس یک جریان سیاسی به نام «جبهه مشارکت ملی» گذشته صاف و شفاف نداشت. وی تفکرات متعصبانه و متحجرانه‌ای را نمایندگی می‌کند و هر صدای آزادیخواهی را صدای شیطان می‌پندارد. اینان همه را مزدور، جاسوس، حیوان و کافر می‌دانند. یک بار خواستار محاکمه خانم سیمنا شمر مسئول کمیسیون حقوق بشر افغانستان شد که به خاطر تفکرات زن‌ستیزانه کابلی به او اعتراض کرده بود.

نجیب‌الله کابلی که به ضدیت علیه ایران شهرت دارد از متعصبان افراطی علیه شیعیان افغانستان است و با اغفال مردمان ساده و تعدادی از خانواده‌های اعدایان، با راه‌اندازی تظاهراتی خواهان محکومیت ایران از جانب دولت افغانستان شد. وی چند ماه پیش نیز تظاهراتی به راه‌انداخت تاجریان آب هیرمند به ایران قطع شود و پیش از آن نیز، مؤسس مدرسه عالی خاتم‌النبین و دارنده شبکه ماهواره‌ای تمدن در کابل را «جاسوس ایران» خواند.

کابلی شبکه‌ای ماهواره‌ای به نام «امروز» دارد که گفته می‌شود، بودجه آن از محل یک پروژه

میلیون دلاری با سفار تخانه‌های خارجی تأمین می‌شود. او در این شبکه ماهواره‌ای، شدیدترین حمله‌ها را به جریان‌های شیعی در افغانستان و همچنین ایران روا می‌دارد. در حالی که ۱۵ شبکه از ۱۶ شبکه تلویزیونی افغانستان به احترام ایام عاشورا موسیقی خود را قطع می‌کنند، شبکه امروز تنها شبکه‌ای است که در این ایام موسیقی بخش می‌کند. خبر اعدام‌ها تا کنون فقط توسط رسانه‌های افغانستان بویژه تلویزیون امروز نجیب‌الله کابلی منتشر شده و هیچ نهاد رسمی این اخبار را تأیید نکرده است.

سازمان عفو بین‌الملل با انتقاد از روند اعدام‌ها در عربستان سعودی اعلام کرده که به طور میانگین بیش از دو نفر در هر هفته در عربستان اعدام یا گردن زده می‌شوند. حال باید از نجیب‌الله کابلی و شبکه تلویزیونی امروز پرسید آیا در مقابل عربستان و هابی هم قد علم می‌کند؛ کشوری که تا کنون صدها نفر از اتباع افغانستان را به جرم قاچاق مواد مخدر گردن زده است؟

محمد ابراهیم طاهریان سفیر سابق ایران در افغانستان و پاکستان و تحلیلگر مسائل آسیای شرقی که یکی از با تجربه‌ترین و کارکننده‌ترین دیپلمات‌های وزارت خارجه است، معتقد است تظاهراتی که هم‌اکنون در افغانستان جریان دارد و سازماندهی می‌شود پدیده جدیدی است که در راستای ایران‌هراسی بی‌تردید از سوی یک اتاق فکر هدایت و برنامه‌ریزی می‌شود. به گفته وی: «چنین تظاهراتی علیه ایران نه در دوره کمونیست‌ها و مجاهدین سابقه داشته و نه حتی در دوره حکومت طالبان بر افغانستان». به اعتقاد طاهریان این تظاهرات در آستانه سفر پرماجرایی کرزی به امریکا شروع شد و در جریان سفر وی به امریکا ادامه داشت. شاید این تظاهرات سازماندهی شده است تا حکومت افغانستان به امریکایی‌ها بفهماند ما با شما هستیم و از آنها امتیاز بگیرد. به اعتقاد طاهریان، در صورتی که یک نوع سازماندهی پشت این تظاهرات وجود داشته باشد تا از امریکایی‌ها امتیاز بگیرند، باید گفت دولت افغانستان در محاسبه هزینه-فایده در ارتباط با منافع ملی افغانستان دچار خطای فاحشی شده است و اگر دامنه و واکنش این تظاهرات به جامعه ایران کشیده شود، عواقب آن بسیار سنگین خواهد بود. طی سه دهه میلیون‌ها افغانی به ایران آمده‌اند و بسیاری در ایران بزرگ

یا پیر شده‌اند، حال چگونه است که مسئولان افغانستان نسبت به موضوع اینقدر بی تفاوت هستند. حکومت افغانستان در حال حاضر ۵+۳ سال تجربه اداره کشور خود را داراست اما هنوز تلاشی برای کنترل مواد مخدر و نظارت بر مرزها صورت نمی‌گیرد. اگر دولت افغانستان از اداره و کنترل مرزها ناتوان است دولت ایران باید به قاچاقچی‌ها مسدال بدهد یا طبق قانون با آنها برخورد شود.

ابراهیم طاهریان با توجه به اشرافی که به سابق دو کشور در مورد توافق استرداد مجرمان دارد، می‌گوید: توافق خاص و مشخصی برای استرداد مجرمان نداریم، علاوه بر این، قاچاقچیان همیشه در توافقنامه‌های اینچنینی استثنا هستند و هیچ کشوری انتظار ندارد در مورد متهمان به حمل مواد مخدر امتیازی داده شود اما در مورد اینکه آیا متهمان و کیل داشته‌اند، روند دادرسی چگونه بوده است و خانواده‌های آنان بازندانیدار داشته‌اند، پیگیری آن به سفارت و کنسولگری‌های افغانستان برمی‌گردد که باید آن را پیگیری کند. تشکیلات دیپلماتیک افغانستان ضعف‌های زیادی دارد، در صورتی که مقام‌های دیپلماتیک و وزارت خارجه افغانستان به نحو دقیق‌تری موضوع را رسیدگی و پیگیری می‌کردند یا پیگیری کنند پیرامون این محکومان به سادگی می‌توان شفاف‌سازی کرد. به اعتقاد سفیر سابق ایران در افغانستان و پاکستان پیامد این تظاهرات منجر به وارد آمدن خسارت به منافع افغانی‌ها در ایران می‌شود و این جامعه افغانستان است که باید تاوان ندانم کاری‌های دولت افغانستان را بپردازد.

آقای محمود صیقل از مسئولان سابق وزارت خارجه افغانستان و نیز پروژه‌های بازسازی کابل در ارتباط با این تظاهرات معتقد است که بی‌تردید نجیب‌الله کابلی در سازماندهی این تظاهرات دست داشته و او به شدت ضد ایران است. اما در یک نکته تردیدی وجود ندارد و آن این است که دست‌های نامرئی در تدارک ایجاد تنش در روابط تهران و کابل هستند. برای اجتناب از این امر ضروری است در درجه اول تماس‌های بین مقام‌های تهران و کابل بیشتر و صریح و شفاف شود و نیز هر اقدامی که در ارتباط با مهاجران انجام می‌شود به اطلاع مردم برسد تا واقعیت‌ها معلوم شود. محمود صیقل

می‌گوید، حتی وزیر خارجه افغانستان نیز که به پارلمان احضار شد، اطلاع دقیقی از ماجرا و تعداد کسانی که اعدام شده‌اند، نداشت. البته زمینه‌های دیگری برای کدورت وجود دارد. مقام‌های خارجی که در افغانستان حضور دارند مدعی‌اند بین دولت ایران و مخالفان دولت افغانستان ارتباطاتی وجود دارد و نیز آنها سرویس و خدماتی از ایران دریافت می‌کنند. دو کشور ایران و افغانستان دوستان و دشمنانی دارند. هر یک مخالفانی داخلی دارند که نحوه برخورد هر طرف با مخالفان طرف دیگر ممکن است در روابط دو کشور تأثیر مهمی باقی بگذارد، اما در مجموع اینکه چند نفر اعدام شده‌اند و پرونده‌هایشان چیست موضوعاتی است که باید به آنها رسیدگی شود. در حال حاضر اقوام

میلیون‌ها افغانی در ایران کار و زندگی می‌کنند. با این فضا سازی‌ها، آنها نگران این هستند که امنیت اقوام‌شان که در ایران زندگی می‌کنند در مراجع به نهاد‌های قضایی تأمین نشود.

ولی محمد حدید خبرنگار بی‌بی‌سی در هرات که قرقیز زبان است و حدود ۱۰ سال در ایران زندگی و برای خبرگزاری ایران کار کرده، می‌گوید نبودن شفافیت مهم‌ترین موضوعی است که در روابط تهران و کابل مسئله ایجاد می‌کند. وی معتقد است بخصوص برخی از روابطی که مقام‌های ایرانی در افغانستان دارند، قانع‌کننده نیست. برای مثال برخی از نمایندگان پارلمان می‌گویند سفیر ایران در افغانستان کسی را آدم حساب نمی‌کند و اصولاً وی به جز کرای با کسی دیدار نمی‌کند و حتی وزیر خارجه



سازمان غفوبین الملل با انتقاد از روند اعدام‌ها در عربستان سعودی اعلام کرده که به طور میانگین بیش از دو نفر در هر هفته در عربستان اعدام یا گردن زده می‌شوند. حال باید از نجیب‌الله کابلی و شبکه تلویزیونی امروز پرسید آیا در مقابل عربستان وهابی هم قد علم می‌کند؛ کشوری که تاکنون صدها نفر از اتباع افغانستان را به جرم قاچاق مواد مخدر گردن زده است؟

افغانستان نمی‌تواند به دیدار مقام‌های سفارت ایران برود.

گفته می‌شود حامد کرزای شخصاً از ایران پول دریافت می‌کند و این پول که برخی مدعی‌اند اسناد آن وجود دارد به حساب‌های دولت افغانستان واریز نمی‌شود و صرف منافع شخصی کرزای می‌شود.

به گفته حدید، بسیاری معتقدند ایران روابطی با مخالفان دولت افغانستان دارد اما مقام‌های دولتی به خاطر رودربایستی با ایران هیچ‌گاه به صورت رسمی اعتراض نمی‌کنند.

از آنجا که بیشتر این اعدام‌شدگان اهل هرات هستند به راحتی می‌توان در جریان نظرات خانواده‌های اعدام‌شدگان قرار گرفت. آنان می‌گویند ما نمی‌دانیم برای فرزندانمان وکیل

گرفته شده یا نه، روند دادرسی عادلانه و با حضور ناظران بی طرف بوده یا نه و اساساً کسی به نحوه دادرسی بر پرونده افغانی هایی که متهم به حمل مواد مخدر در ایران هستند، نظارت دارد یا نه. ولی محمد حدید معتقد است در افغانستان، ماحتی برای سارقان مسلح و کیل می گیریم و اگر توانایی استخدام و کیل نداشته باشند نهادی هستند که وظیفه استخدام و کیل را بر عهده دارند. هیچ محاکمه ای اگر علنی نباشد بدون و کیل در افغانستان انجام نمی شود اما ما نمی دانیم چنین ملاحظاتی در ایران رعایت می شود یا نه. به اعتقاد حدید، در منطقه ما قاچاقچی های بزرگ و مشهوری هستند که مرتباً در حال تردد و رفت و آمد به ایران هستند. همه آنها را می شناسند، بیشتر آنها نزد مردم منفور هستند ولی کسی به آنها کاری ندارد؛ حال چگونگی است در ایران افرادی که در رده قاچاقچیان بزرگ نیستند اعدام می شوند. هیچ کس در افغانستان معتقد نیست که نسبت به جرم و خلافی همانند حمل مواد مخدر چشمپوشی صورت بگیرد، اما مردم افغانستان بخصوص مردم هرات، خواهان عدالت و پیگیری های شفاف هستند. شنیده شده بعضاً جرم را یکی مرتکب شده و نهایتاً پرونده به حساب شخص دیگری گذاشته می شود. از آنجا که افغان ها هم در زندان های ایران شهر و ندرده پایین محسوب می شوند طوری با آنها برخورد می شود که ممکن است کرده و ناکرده به پای هم بسوزند. به اعتقاد ولی محمد حدید، بروز این مشکل بیش از کارایی یا ناکارایی ایران، از ضعف پیگیری دولت افغانستان ناشی می شود. خبرنگار سابق ایرنا که اکنون در هرات کار و زندگی می کند، می گوید: من بعید می دانم

حکومت افغانستان در حال حاضر ۳+۵ سال تجربه اداره کشور خود را داراست اما هنوز تلاشی برای کنترل مواد مخدر و نظارت بر مرزها صورت نمی گیرد. اگر دولت افغانستان از اداره و کنترل مرزها ناتوان است دولت ایران باید به قاچاقچی ها مدال بدهد یا طبق قانون با آنها برخورد شود


دست هایی در تخریب روابط دو کشور مداخله نداشته باشد، زیرا این تظاهرات را بدون سازماندهی و هماهنگی در سراسر افغانستان نمی توان مدیریت کرد. تردیدی نیست عده ای در پی منافی هستند که این تظاهرات در هرات، کابل، جلال آباد یا ننگرهار انجام می شود. حدید در پاسخ به این پرسش که آیا ممکن است روزی افغانستان به یک جایگاه ضدایرانی تبدیل شود، گفت: من بعید می دانم افغانستان پایگاهی ضدایرانی شود، چون کسری روی روابط با ایران خیلی حساس است و روی روابط با تهران و سواس دارد. من بعید می دانم اعضای کابینه افغانستان فعلاً زیر بار فشار امریکایی ها بروند تا علیه ایران سازماندهی صورت بگیرد، هر چند نفوذ عوامل غیردولتی را نمی توان نادیده گرفت. حدید در پایان تأکید می کند که مقام های ایرانی در سفرهای رسمی به افغانستان بعضاً اقدام

به سخنرانی های ضد امریکایی می کنند که این در راستای منافع و جهت گیری های سیاست خارجی افغانستان نیست. مقام های ایرانی در جریان سفر به افغانستان برخلاف مفاد پروتکلی که متن سخنرانی ها همیشه هماهنگ می شود، علیه امریکایی ها سخن می گویند که این از دید سیاستون افغانی یک بهره برداری غیر دیپلماتیک از روابط حسنه دو کشور است.

سید محمد علی رضوانی مدیر مسئول هفته نامه اقتدار ملی افغانستان نیز شخص نجیب الله کابلی و شبکه تلویزیونی ضدایران به نام «امروز» را صحنه گردان تظاهرات علیه ایران می داند. به گفته وی شبکه تلویزیونی امروز سابقه ای از ایجاد تنش در جامعه افغانستان از خود باقی گذاشته است. این سابقه از دامن زدن به اختلافات مذهبی بین شیعه و سنی تا ایجاد تنش در روابط افغانستان با همسایگان را شامل می شود.

رضوانی ضمن خطرناک خواندن تشنج در روابط تهران-کابل می گوید: هفته گذشته هواداران و مخالفان ایران در دانشگاه کابل مقابل هم صف کشی کردند. این بار دو طرف علیه هم تنها فحش و شعار دادند، ولی ادامه این وضعیت بی تردید اوضاع را متشنج می کند و به درگیری های قومی و مذهبی در افغانستان می انجامد. به گفته مدیر مسئول هفته نامه اقتدار ملی، اظهارات برخی از روحانیون ایرانی شهرهای مرزی و هتک حرمت از خلفای راشدین در شهرهای مختلف افغانستان انعکاس زیادی می یابد و موجب تنش می شود. به باور رضوانی، این تظاهرات از خارج هدایت می شود، ولی در افغانستان اجرامی شود.

•froostae@yahoo.com



هنر و زبان
هانس گتورگ گادامر و پیل ریکور
 ترجمه: مهدی فیضی
 ناشر: رخ داد نو
 قیمت: ۲۴۰۰ تومان، تلفن تماس: ۰۲۱-۶۶۴۹۸۲۹۳

جستارهای برگزیده برای این کتاب، هانس گتورگ گادامر و پیل ریکور بار دیگر اهمیت تداوم مفاهیمی چون تقلید، حقیقت، نماد و بازی را برای درک هنر معاصر یاد آور می شوند. در حالی که زیبایی شناسی امروز، به گفته گادامر، در اندیشه حذف مفهوم «اثر هنری» است. هر منوتیک او همچنان بر اهمیت «اثری که اثر باقی می ماند» تأکید می کند. همین تأکید گذر از مسئله نظام مند زیبایی شناسی به مسئله تجربه هنری، در هر منوتیک مدرن را موجب شده است و بدین ترتیب اهمیت چیزی را آشکار کرده که در فرآیند زیبایی شناسی، زیبایی طبیعی و حتی هنری، از نظر هادور مانده بود: زبان.